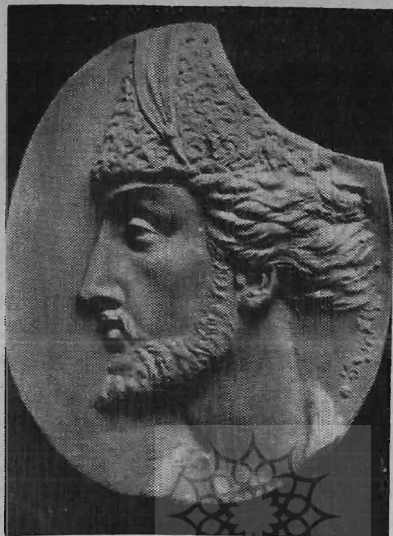


آکادمیسین آکساندر  
بارامینزه

# شوتا ستاوهلی



نقش برجسته شوتا و ستاوهلی اثر نیکلادزه

گرجستان قرون وسطی از لحاظ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در سده دوازدهم میلادی بحد اعلای رشد و ترقی رسیده بود: گرجستان در آن دوران - مملکت نیرومند فئودالی بود که در تاریخ ملل خاور نزدیک نقش مشخصی ایفاء میکرد. آندوران در زندگی ملت گرجی دوران ترقی و تعالی فوق العاده نیروهای مادی و معنوی بود. عظمت و زیبایی یادگارهای مجلل معماری و ظرافت و مهارت حیرت انگیز نقاشی و زرگری و قلم زنی و هنرهای بدیع و امثال آن که تا زمان ما باقی مانده و بدست ما رسیده است هر بیننده را مبهوت و مسرور میکند.

در گرجستان آن زمان علم و اندیشه های اجتماعی و سیاسی و فلسفی و الهیات، که تا حد زیادی از جمود و دگماتیسم کلیسایی عاری و آزاد

بود، بسطح عالی ترقی رسیده بود. کار نشر کتب و هنرهای کلام به پیشرفت‌های مهم نایل گردیده بود. همدریف با ادامه ترقی و توسعه نوشته‌های کلیسایی - مذهبی، در اوایل سده دوازدهم ادبیات غیر مذهبی، خاصه ادبیات منظوم بوجود آمده رونق و شکفتگی بسیار یافت. اشعار غیر مذهبی گرچی در شرایط بستگی متقابل با ادبیات کشور های مجاور، مخصوصا با ادبیات مسلمانان خاور زمین که بزبان فارسی بود، راه بسط و ترقی میسپرد.

سده دوازدهم در تاریخ فرهنگ قرون وسطی گرجستان دوران کلاسیک فرهنگ بشمار میرود. از میراث ادبی آن دوران آثار زیاد و گرانبهدار نتیجه حوادث مصیبت بار سده های بعد (هجوم مغولان) نابود شده است. لکن، اگر حتی از یادگار های معدود ادبیات قدیمی گرجستان که باقی و محفوظ مانده است بخواهیم قضاوت کنیم، میتوان گفت که ادبیات مذکور فوق العاده متنوع و غنی بوده است. منظومه معروف «پهلوان پلنگینه پوش» اثر شوتار و وستاوهلی عالی ترین نمونه بی نظیر ادبیات قرون وسطی گرجستان است.

در باره روستاوهلی اطلاعات دقیق و کاملا صحیح خیلی کم مانده است. منبع اصلی که ما اطلاعات تاریخی - ادبی را در باره «پهلوان» و مولف آن از آنجا کسب مینمائیم دیباچه منظومه است. در دیباچه مذکور دوبار در باره مولف آن چنین خاطر نشان شده است: او روستاوهلی است، یعنی «مالک قلعه یا ملک روستاوی است». نام شاعر شوتا است و این موضوع در آثار شمایل نگاری و ادبی حتی از اوایل سده ۱۳ گواهی شده است. شوتا روستاوهلی خزاندار دولتی ملکه تامارا (۱۱۸۴ - ۱۲۱۳) بوده است. شاعر ولی نعمت خود و داوید شوهر او را با نهایت احترام در ابیات مقدمه مدح و ستایش کرده است. همین مقدمه که بمنزله اهداء منظومه است امکان میدهد که تاریخ تصنیف آن تعیین گردد: این منظومه نباید زودتر از سالهای آخر ده ساله هشتم سده ۱۲ (از سال ۱۱۸۵ بعد) و دیرتر از ده ساله اول سده ۱۳ (از سال ۱۲۱۰ بعد) ساخته و پرداخته شده باشد.

در اورشلیم روی ستون صومعه گرچی صلیب مقدس تاکنون تصویر شوتاروستاوهلی با لباس اشراف درباری کشوری موجود است. برطبق نوشته یادبودی که در همان صومعه وجود دارد، شوتا روستاوهلی بعنوان دبیر دولتی ملکه تامارا صومعه صلیب مقدس را تعمیر و داخل آنرا نقاشی و مزین نموده است.

منظومه «پهلوان پلنگینه پوش» به احتمال قریب یقین اولین و آخرین اثر روستاوهلی نبوده ولی سایر آثار وی بدست ما نرسیده است. موضوع منظومه «پهلوان پلنگینه پوش» بسیار جالب توجه و جذاب

است . پادشاه مسن و مشهور عربستان بنام روسته وان ، چون پسری ندارد که وارث او بشود ، تیناتین دختر زیبای خردمند و منحصر بفرد خود را بر تخت سلطنت می‌نشانند . تیناتین دلباخته آفتان‌دیل سردار دلاور و درباری پادشاه است . روسته‌وان و آفتان‌دیل روزی هنگام شکار در کنار نهر آبی به پهلوان ناشناس و غمگینی بر می‌خورند که پوشاک وی پوست پلنگ است . آنها هر چه کوشش میکنند با او حرف بزنند بی نتیجه میماند و پهلوان مذکور ناپدید میگردد . پادشاه سخت مهموم و مغموم میشود . آنوقت تیناتین به دلاور محبوب خود دستور میدهد که بهر وسیله و نحوی که امکان پذیر باشد آن یگانه مرموز و مجهول را پیدا کند . آفتان‌دیل با کمال میل آماده انجام دستور محبوبه میشود . بعد از سفر های طولانی و دشوار بالاخره آن پهلوان را که اسمش تارنیل است مییابد . پهلوان مزبور داستان غم‌انگیز خود را چنین حکایت میکند که وی خود از نژاد پادشاهان و امربر پارسادان پادشاه هندوستان و عاشق و دلخسته نستان داره‌جان دختر خورشیدوش پادشاه مزبور است . بخت و اقبال با آن دو دلداده یار و مددکار نبوده است . پارسادان شاه اراده نموده است نستان داره‌جان را به شاهزاده خوارزمی به زنی بدهد و او را ولیعهد و وارث تاج و تخت خود نماید ، و حال آنکه تارنیل بحق وارث تاج و ولیعهد محسوب میشده است . نستان داره‌جان دلباخته خویش را متقاعد میکند که رقیب را بکشد و زمام امور ملک را بدست گیرد . شاهزاده خانم را به عشق ناپاک نسبت به آن شورشی متهم و محکوم به کیفر سختی میکنند . نخست او را با کمال شقاوت تازیانه میزنند و سپس محرمانه بخارج از هندوستان میبرند . تارنیل باشتاب به جستجوی محبوبه میپردازد ، ولی هیچ نتیجه ای بدست نمی‌آورد . وقتی که از یافتن معبود خود مأیوس میشود ، میهن خود را ترک میکند و منزوی و غارنشین میشود . آفتان‌دیل با تارنیل عهدبرداری می‌بندد و او را دلداری و امیدواری میدهد و با او عازم جستجوی نستان داره‌جان میشود . سر انجام او جای شاهزاده خانم را پیدا میکند . دختر در قلعه مستحکم و تسخیر نشدنی کاجتی محبوس است . تارنیل و آفتان‌دیل با کمک پریدون - سومین برادر خوانده - قلعه مذکور را تصرف و نستان را آزاد میکنند . پهلوانان شاد و قرین سعادت به زادگاه های خود بر میگردند .

بطوریکه از این مختصر معلوم است ، داستان «پهلوان پلنگینه پوش» و وقایع آن در پهنه عظیم جغرافیائی جریان مییابد ، پرسوناژهای منظومه نمایندگان ملت‌های مختلف هستند (که بعضی از آنها هم وجود نداشته زائیده اندیشه شاعرند) . شاعر با موفقیت از تکرار مکررات و اطاله کلام که در آثار داستانسرانی حماسی اجتناب ناپذیر است خود داری کرده است . منظومه روستاوه‌لی بسیار دینامیک است ، وقایع در آن با سرعت بسط مییابد . و بطور طبیعی و منطقی پیشرفت میکند . از حیث اوضاع و

پیش آمده‌های فشرده و دراماتیک غنی است. خواننده بشدت تحت تاثیر مطالب پرشور آن واقع و تهییج میشود، خاصه در موارد تفسیر عمل و بیان موضوع تازه. روستاوه‌لی بامهارت از شیوه استعار موضوع استفاده کرده، بطرزی مقرون به حقیقت از لحاظ هنری واقعیات گوناگون و پیچیده گرجستان سده ۱۲ را منعکس نموده است. شاعر نظرات و عقاید فلسفی - دینی و اجتماعی - سیاسی خود را با صراحت و وضوح بیان میکند. نامبرده با کلام بدیع و بیان استادانه سنجایای قهرمانان را مشخص و آشکار مینماید و عالم باطنی غنی آنان را در حین عمل نشان میدهد. وصف عمیق سنجایای روانی پرسوناژها و بطرزی موثر نمایاندن پیچیدگی ماهیت پدیده‌ها - ازنکات خاص نوآوری روستاوه‌لی در خلاقیت و استادی بی‌قرین او در کلام بدیع گرجی و شعر گرجی است. «پهلوان پلنگینه‌پوش» - منظومه شورانگیزی است در باره عشق و تعظیم و تکریم زن.

روستاوه‌لی در مقدمه منظومه خود دقیق و روشن ماهیت عشق را تعیین و قوانین بفرنج آن را معلوم مینماید. شاعر سه نوع اساسی عشق را تفکیک میکند. نوع اول - «عشق علوی آسمانی تا حد پرستش است». او اذعان مینماید که مهمترین و گرانبهاترین شکل عشق همین است، ولی «این عشق حتی در دسترس اشخاصی که زندگی آنانرا مجرب و خردمند نموده است نیست». روستاوه‌لی با وضوح خود را از عشق نوع اول کنار کشیده از عشق نوع دوم - عشق عالی دنیوی (زمینی) طرفداری میکند و میگوید که خود فقط احساسات دنیوی (زمینی) انسانی راستوده و مدح کرده است. شاعر اگر چه بخواننده اثر خود چنین تلقین میکند «تو با قلب پاک بحد کمال علوی خواهی رسید»، ولی نوع سوم عشق - عشق پلید شهوانی، پست، مانند فسق و هرزگی را هم بطور قطع رد میکند. عشقی را که روستاوه‌لی میستاید سودای روحی مبهم و بدون منظور نیست، بلکه حس انسانی عمیق دنیوی است. تفسیر و تشریح برخی جنبه‌های عشق در منظومه روستاوه‌لی وجه اشتراکی زیاد با منظومه‌های اروپائی دارد، ولی در منظومه‌های اخیر الذکر عشق بر خلاف نظر روستاوه‌لی «نظام کامل زندگی نیست». (x) برطبق منظومه «پهلوان پلنگینه‌پوش» عشق تمام بهترین صفاتی را که در نهاد انسان نهفته است احیاء و شکفته مینماید، عشق انسانرا برای انجام کارهای دلیرانه و فداکاری تحریک میکند. عشقی که روستاوه‌لی وصف میکند - چه برای مرد و چه برای زن - آزمایش دشواری است، مرد فقط با حرارت و هیجان دلاورانه و

\* C. Bowra, Inspiration and Poetry, London, 1955

شهامت عالی میتواند مالک قلب محبوبه شود ، فقط با از خود گذشتگی و انجام دقیق وظیفه اجتماعی و وفاداری فداکارانه نسبت به میهن میتوان اعتماد محبوبه را جلب نمود . مهمتر از همه آن است که روستاوه‌لی عشق را اساس خانواده و ازدواج میداند . شاعر آزادی احساسات را اعلام مینماید و اجبار و تحمیل در انتخاب زوجه را بشدت تقبیح و نکوهش میکند ، چنانکه معلوم است در قرون وسطی این امری عجیب و ناشنیده بود که تمایل طرفین برای ازدواج بالاتر از کلیه اندیشه‌ها و منظورهای دیگر محسوب گردد . و همین «امر عجیب و ناشنیده» است که شاعر عظیم‌الشان سده ۱۲ گرجستان ستوده است .

«پهلوان پلنگینه پوش» - سرود پرشور و شوق عصمت و شرف زن و عشق آزاد زن است .

شاعر برابری زن و مرد را تاکید مینماید و خاطر نشان میسازد که همانطور که شیربچه‌ها (اعم از ماده یا نر) بایکدیگر برابرند ، همانطور هم زن و مرد با هم برابرند . روستاوه‌لی در قالب نستان داره‌جان مهربان و باشهامت تمثال زنی (مانند ملکه تامارا) را بوجود آورده است که هرگز بامروز زمان و هر نوع تطاول زمان کدر و افسرده نخواهد شد ، زیرا نستان داره‌جان قادر است بر احساسات توفان آسای شخصی که بروی غلبه مینماید فائق گردد و بخاطر عشق به میهن و دفاع از آن در مقابل دشمنان از خود و منافع خویش بگذرد . لیکن همین نستان داره‌جان نازنین آرام و با عفت و ساکت برای دفاع از احساسات انسانی پایمال شده و حق عشق ورزیدن اقدام با اعتراض میکند ، عصیان بر روح او مستولی میگردد و خشم شدید پلنگ بر او غالب میشود . نستان داره‌جان هرگز عنان اختیار و اراده و خود داری را از کف نمیداده است . همین دختر ظریف ، جسما لطیف و ناتوان ولی روحا توانا و استوار ، در دشوارترین لحظه زندگی خود خردمندانه ترین سخنان را میگوید :

بیچاره کسیکه در نومیدی قصد هلاک خود میکند !

انسان فانی در آزمایشهای دشوار باید از خردیاری بخواهد .

نامه مشهور نستان داره‌جان خطاب به محبوبش از قلعه کاجنتی

درخشانترین مظهر شاعرانه عشق زنانه و پیروزی عقل و خرد بر شهوات و اعتراف قلبی الهام یافته انسانی است ، که بخاطر هدف‌ها و منظورهای عالی آماده است بهر کار دلیرانه و هر نوع فداکاری اقدام نماید . چنین عشق و چنین زن قهرمانی را مانند نستان داره‌جان در ادبیات قرون وسطی غرب و شرق مشکل بتوان یافت .

پروفسور بورا ادبیات شناس انگلیسی چنین میگوید : «اگر بخواهیم «پهلوان پلنگینه پوش» را بارومانهای شاعرانه شرق و غرب همان قرن مقایسه کنیم ، وجوه اشتراك زیاد مشاهده خواهیم نمود .» لیکن همان

ادبیات شناس استنتاج مینماید که روستاوه‌لی «از راه مخصوص بخود پیش میرود».

بعقیده بسیاری از بزرگ ترین کارشناسان تاریخ و ادبیات قرون وسطی، اعم از شوروی و خارجی، روستاوه‌لی بر همکاران اروپائی خویش (از ولفرام فون اشنباخ گرفته تا کرتین دورآ) از لحاظ آزاد فکری مذهبی برتری دارد. آکادمیسین و شیشماروف چنین مینویسد: «برخلاف شاعران قرون وسطی اروپای غربی، شوتا از هرگونه مسلک دینی و آئین کلیسایی پرکنار است». منظومه روستاوه‌لی تا حد زیادی از عناصر افسانه‌ای خیالبافانه هم، که از خصوصیات آثار شاعران قرون وسطی است، بری و آزاد است. برخی دانشمندان معتقدند که موضوع دوستی در منظومه روستاوه‌لی بر موضوع عشق برتری و غلبه دارد. ما با اینکه با این عقیده موافق نیستیم، اذعان مینمائیم که در «پهلوان پلنگینه پوش» دوستی مقام فوق‌العاده مهمی دارد و گاهی ممکن است واقعا چنین بنظر برسد که دوستی در مقام اول قرار دارد. در منظومه روستاوه‌لی پایدارترین رشته‌های دوستی نه فقط دو دلاور بسیار گرانبمایه و پاکدل را (چنانکه معمولا در آثار قرون وسطی دیده میشود) بلکه سه دلاور را به یکدیگر پیوند داده است (در ادبیات عامیانه گرجستان نیز گاهی چنین است) در عین حال دوستی در منظومه روستاوه‌لی به همان شکل خاص متداول در گرجستان یعنی برادرخواندگی یادادن دست - برادری بیکدیگر است. برادرخواندگی در نقطه مقابل عشق قرار داده نمیشود، بلکه برعکس؛ برادر خواندگی و عشق رابطه ناگسستنی دارد. میتوان گفت: که برادر خواندگی جزء آلی و مولود عشق احساساتی است. قهرمانان روستاوه‌لی بر اساس نیروی عشق که بر همه چیز احاطه و استیلا مییابد و بخاطر نستان داره‌جان - مظهر این حس - دست برادری بیکدیگر داده اند. برادر خواندگی سه قهرمان «پهلوان پلنگینه پوش» نشانه دوستی ملتها است. آفتان‌دیل عرب و تارثیل هندی و پریدون ملک آذری علاوه بر اینکه دوستان بزرگ و برادر خوانده‌های یکدیگر شده‌اند، ملت‌هایی را هم که در راس آنها قرار دارند با رشته‌های دوستی بیکدیگر پیوند داده اند.

روستاوه‌لی همه گنجینه فرهنگ کتبی قدیمی گرجستان را و در عین حال، با پیروی از بهترین ستن‌سخن سرائی ملی، ادبیات منظوم گرجستان را به چنان اوج ترقی و تعالی رسانده است که هیچ سابقه نداشته است. آرمان‌هایی که در منظومه «پهلوان پلنگینه پوش» منعکس گردیده است جنبه

\* C. Bowra, Inspiration and Poetry, London, 1955

خاص عمیق ملی و قومی دارد. روستاوه‌لی سراینده بهترین آرمانها و آرزوهای ملت گرجی است. لیکن او با هر نوع محدودیت یا انزوای ملی بکلی بیگانه است دنیای اندیشه‌ها و آرمانهای روستاوه‌لی دارای اهمیت کلی و عمومی برای نوع بشر است. هر چند که آرمانهای عشق علوی، مین پرستی، برادرخواندگی، دوستی یا کارهای دشوار دلاورانه که روستاوه‌لی سروده و ستوده است از آرمانهای ملی و قومی است، لیکن چنین اندیشه‌ها و آرمانها از خصوصیات سایر ملتها - اعم از کوچک و بزرگ - هم هست. ولی آن شاعر بزرگ گرجی توانسته است حتی در سده دوازدهم این آرمانهای عالی را بشکل شاعرانه عالی و نمونه، در شرایط استیلای خفقان آور ایده‌نولوژی مذهبی و خرافاتی بیان و مجسم نماید.

روستاوه‌لی بشردوست بزرگوار است. تمام توجه او معطوف است به - عشق و علاقه به انسان، به انسان با مجموع احساسات، تأثرات، شهوات و خواست‌های وی. برخلاف انزوا طلبی عقلانی قرون وسطی و اخلاقیات تلقینی کلیسایی مبنی بر ریاضت، روستاوه‌لی آزادی شخصیت انسان، آزادی افکار و عقاید و تمام زندگی باطنی او را اعلام نمود. نامبرده انسان دارای اندیشه‌های عالی و اخلاقا پاک را با آرمان‌های زمینی و عادی ولی در عین حال عالی و علوی او ستوده است. منظومه «پهلوان پلنگینه‌پوش» سرود زندگی زیبا و پر معنی و هدف‌دار انسان و شخصیت انسان است، که نه تقدیر قبلی الهی اعمال و کردار او را پیشاپیش تعیین با محدود نموده است، نه سرنوشت. بشر دوستی روستاوه‌لی در آرمان عشق و در «آئین سنایش‌زن» و همچنین در آرمان دوستی با یکدیگر و برادری مردم و ملتها، در عشق و علاقه بی‌حد و حصر نسبت به مین، در بندواندرز او برای متحد شدن تمام کشور زادگاهش و در کینه و نفرت بیرحمانه وی نسبت بتمام دشمنان وطن بخوبی نمایان گردیده است. روستاوه‌لی با آزاد فکری و آرمانهای خود بیشتر آرمانهای بشر دوستانه اوایل دوره رنسانس بوده است. هنوز هم نظرات و اندیشه‌های روستاوه‌لی، مانند اشعار بی نظیر و روح افزای او تازه و زیبا و خود ویژه است.

دهاو نبوغ روستاوه‌لی خیلی بیشتر و برتر از سطح ترقی و تکامل جامعه همزمان آن شاعر بوده است. اندیشه و تیزبینی فکری روستاوه‌لی با عمق قرن‌های بعد نفوذ یافته و همین نفوذ او را به جامعه پیشرو هر عصر تازه و هر ملت نزدیک مینماید.

ترجمه: رضا آذرخشی